



کردستان: باز هم سرکوب باز هم مقاومت

روزی می گرسند و سوس...
حمیاره می سسند و دمیسا
می گرسند که حصاره روی
مردم سگاه فرود ساند!
وئی بیسمرگان دهرها و
حوا سهای مردم راه سباده
کنده بودند آبار سادیکه
آنها احداث کرده بودند
سیر ساهده می بود! - لیس
در ریاردن های حکومت
شان دهنده - صعب و صبر
کامل حکومت در مقابل ما
مردم قهرمان و سحر گان
دلاور کردا - و اعمص
ایسکه حیره - حک طلب
ارگانهای که سارمانهای
سیاسی کرد را حک امروز
بینه در صفحه ۳

آفریدند و با بداری بی نظیر
شهرها و روستاهای دیگر
کردستان همچون سقز و سبانه
و مریمیان - عملاً تا نکست
مفتوحه های زو سیرو شدند
و اکنون که کم کم ابعاد
وسیع حمایت های حکومت
در کردستان برای مردم
سراسر ایران روشن می شود
با استفاده از شیوه های
روای تبلیغاتی بعضی
دارند این ضایعات را توجیه
کنند - آنها بینم رگان را
به قبا داغلق مقیم می کنند!
فرمانده عملیاتی سپاه
یاسداران در سسده در
معاچه - رادیو تلویزیونی
اعلام می کند - برادران سپاه

بسیار یک ماه از آسار
حک عملی جدید و گشتار
و حیناه طلق گردنی گذرد -
دستگاه های تبلیغاتی
حکومتی که در آمار بعضی
سنگردند با وابسته شان
دادن گروه های سیاسی
کردستان به مران - حمله به
کردستان را در نظر مردم
نوعه حک دو کوس و کترنا
برداشته بودند که گروه های
سیاسی خود را به زور و ساطحه
به طلق کردن تحمیل کرده اند
با مقاومت سه هفته ای مردم
قهرمان سسده که در مقابل
موج گشتار و حیناه ارتش و
سپاه یاسداران حمله -
پرتگرهی ارتقا و سس

حمله به کمونیستها

و انقلابیون بخاطر چیست؟

رژیم جمهوری اسلامی دوره - حسیدی از
منارره تا کمونیستها و انقلابیون را آسار
کرده است - جمهوری اسلامی معامی امکان
موا را تسخ کرده است تا کمونیسم و کمونیستها
را "کمتر محقق" اعلام کند - احیای مدهی
مردم را به خدمت گرفته است تا سوا سس
سوده ها را در مقابل کمونیستها فرار دهند -
رژیم میگوید اولاً کمونیسم را معادل کفر و
کمونیستها را بس مدهی و سوبیزه - اسلام و
سلمانان قلنداد کند تا سس - کمونیستها
و انقلابیون را سسدا امیر بالیم و هنگار و
انادی شاه - حلال و سنا و اکبیا معرفی نماید
سالا - کمونیستها را دشمن مردم و سرو کلی
سیرمی کند که حرم سبار آسین سیرند - بس
گفاری می کند و مروج سرح اجتماعی و سیاسی
احداث می کند -
مردم ما سکی تأمل در خواهد یافت
که همه - اس بر حینا معطل استانی است
که رژیم برای معرفی کردن و سس سرکوب
انقلابیون و سس سدن سرمایه های عد مردمی
خود بدار کرده است - چگونه مردم می تواند
کمونیستها را خدمت شاه حلال و معامل آمریکا
بداند در حالیکه زمانی که همس کرد لندگان
امروزی رژیم جمهوری اسلامی در خارج سس
مراعت خاطر رخگی آرام خوش را می گذرانند
کمونیستها و انقلابیون مزدوران امریکایی
شاه حلال راه هدف گلوله های خود فرار مندند؟
بینه در صفحه ۲

آنان بود که سرمایه داری و افسند کرد و نابود سرتان متوسطا!

معنی "زندان" - در شماره ۹ ارگان
سارمان خود به سخت پیرامون شعارهای
"راه کارگر" برداشته و در مقاله ای تحت
عنوان "در باره" - به شمار راه کارگر - آنها
را مورد اسفاد فرار داده اند - برای ایسکه
بینه در صفحه ۹

نگاهی به انتقادات رفقای "وزمندگان"

هریک اردیدگانهای سسواسی
مشله را حدی سسنی کرده و
تروع به اظهارها و سسندارها
کرده اند - اگر چه احتمال
و فوع کودتا سس عنوان سک
بینه در صفحه ۶

ایس روزها احتمال وقوع
کودتا و سس در مورد آن مشله
دامی شده است - حزب جمهوری
اسلامی - سارمان محاهد سس
انقلاب اسلامی و حزب بوده و
برخی سسروهای دیگر سیاسی

چه کسانی قادر به مقابله با کودتا هستند؟

تفسیر سازمان فدایی از

مبارزه ضدامپریالیستی و انترناسیونالیسم پرولتری

- در صفحات دیگر
- ترو و فاشیستی در میدان ساعت تبریز
- رژیم در صدد انحلال شورای کارخانه ماشین سازی تبریز
- سینه پرمنل انقلابی از تش، آماج گلوله ها

ایران هنوز از تجاعی ترین کشورها

در کنفرانس امریکائی پاکستان
رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر به کنفرانس اسلامی پاکستان
رسد - اس بار ضی مخالفان و اس سس سس اس کنفرانس -
حزب جمهوری اسلامی و دانشجویان پیرو خط امام - منتها -
اظهار مخالفتی نکردند - بلکه به عکس از ابتکار عمل وزیر
امور خارجه حکومت که نمایندگان شانها و ملاکین و سراسر -
مرجع عسار به عنوان نمایندگان ایران به کنفرانس
آورده بود - ساین کرده -
آنها با اس لطف جمهوری اسلامی به عنوان سس گویان
مردم افغانستان در پشت سس کنفرانس سسند! اس کنفرانس -
س سس کنفرانس ملی سس جمهوری کرده است ۳۶ ماه است و
بینه در صفحه ۲

حمله به کمونیستها...

چگونه مردم میتوانند کمونیستها را ابدی شاه ندانند در حالیکه تکلیف گاه‌های "اوپسن" و "کمینه" شاه ملاد شاهد قهرمانیها و مقاومتیهای اسر انقلابیون بوده است. چگونه مردم میتوانند تا و کسند که کمونیستها آمریکا را اندر حالیکه اولین کسانی که فریاد رمانند در دادند کسند "عداوت با سوت آمریکا است" کمونیستها بودند او در مقابل همین گزافندگان کمونی رژیمنها نظر همس شمار چنان بدستان را علیه کمونیستها نورا شدند و هم اکنون نیز کمونیستها بجزم اینکه حرفشان این است که مبارزه کمونیستها با آمریکا با تمام مظاهر سلطه امپریالیسم و تمام مظاهر وابستگی ادامه داشته باشد مورد هجوم رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

کمونیستها چگونه میتوانند حرفن های مردم را آتش بزنند در حالیکه همه وسیعتر از همه خود روستاها را میدانند که کمونیستها و انقلابیون تنها کسانی هستند که با طمس حمایتشان از سناغ توده های روستائی در قبال رستمندان و وفود آنها تخت پی کرد رژیم تالی و جمهوری اسلامی مرا رگرمه اند. آنان با طاهر اینکه میگویند زمینداران و مثودالها نباید سره شان روستاها را بکنند و نمره کار آنان راه غارت بمرند از جانب رژیم مورد محسن آنها می فرامیگیرند.



اما این اولین باری نیست که رژیم جمهوری اسلامی این چنین کینه توزانه لبه سر حمله و سرکوب را متوجه کمونیستها و انقلابیون میکند! هر بار که توده های مردم ما با تمام وجود در مبارزه ای علیه امپریالیسم درگیر شدند و هر بار که انقلابیون و کمونیستها با پایداری تمام با بیای توده ها آنان را در لیس مبارزه همراهی کرده و آنان را در شانساندن و نابودی دشمن تاریخی شان فعالانه یاری کردند رژیم جمهوری اسلامی مبارزه امیمل مردم را منحرف کرده و سمت اصلی ضربه را متوجه کمونیستها نمود. مگر تهاجم و انتقال دانشگاه سرکوب و کشتار گردستان، سرکوب شوراها تهاجم به جابجا ها و ملوک گیری از انتشار نشریات انقلابی و حملات وسیع تبلیغی علیه سازمانها و نیروهای انقلابی و کمونیست در دست در لطلاتی که مبارزه مدا امپریالیستی توده های مردم میرمت نا ابعاد جدیدی نمود که در صورت نگرفت؟ در حالیکه گذشته نیروهای انقلابی و کمونیست

ایران، همراه...

ترکیب شرکت کنندگان این نمایشگر در با است؟ هیچ وجه پس برای رزمنه گمده نیست در یک جنگ سرخوشناریا از سلفا در گنار است نشستن در کنار صدها میل برنج آنجا در منطقه چشمه صوبی دارد؟ مگر آمریکا بمکشیا با ده های صید و و شها نبود که بران پنجا و نطنی کرد. نگاهش بهتر شرکت کنندگان -

کفران بود ما را ما بهت و سرسپردگی کفران بر بند دارد -
 عربستان سعودی یکی از شرکت کنندگان کفران است -
 کمه جز ترین پایگاه های نظامی آمریکا در ناحیه "دهران" را

در خدمت سلطه آمریکا در منطقه قرار داده است. سرکیم سرک گنندد بگر چندین پایگاه مجهز ریائی و هوائی و جاسوسی و غیره به "بهران" نظامی آمریکا بی رادفا ک خود به بر صماست -

اند و نزی کشور دیگر شرکت کنندن مرزی است که همبمخوس -
 ترین کودنای نا رخیخ بر روی کار آمده و باید کدر این کفران س میخواهد از حقوق خلقها دفاع کند! بحرن ونوس و سودا ن

این سرسپردگان امپریالیسم و صاکنان اات، بهر امسوالی کما بنکشیا مویگا دیشو و سیاری مانگا با ندرت جومالی راد رفق اضلا می نندیم؟ آمریکا کرد ما است بهر اعد دیگر رژیم های مدخلی -

منطقه همچون من شمالی و صان صکی در پنت سرکفران س -
 اطلسی نشسته اند. کدام منطقه میتواند این مجموعه با همگون وانگیز مشتری که آنها را در کنار ص فراداد ما است. نوجه کمد؟

رژیم ایران کمده می بر جعد ای ما روضه امپریالیستی است و زعمای آن میگویند "صیحت شوروی در جهان نیست کما کون بحر ایران با امپریالیسم آمریکا مبارزیمند" در کنار د و شها می فرامی

میگیرند کفران سرسپردگی آنها به آمریکا در سنگان آنگار است در کنار کشتن میزبان کفران سر امیگر که آنگار است

آمریکا میخواهد که بیشتر وجودی برود منطقه و فالت داند باشد! و آمریکا را بطن این کمه قدرگاهی در افغانستان در حال

نگرد ما است، سر نش می کند! سرانجام کفران س در سحبه 7 آمریکا قطعاً معایر انصوبی کرد کفران برای قالی نبودن

عریضتها جرم رسوائی آمریکا بالنس بزرگوار اعای خوش ده -
 استا با از طرف دیگر وساطت و توصیه میکند کما ایران هر چه

زود تر مستلشگروگهای جاسوس راهل و وصل کند و آنها را آزاد -
 نماید! کفران س پاکستان که صه عوا مل ریزود است آمریکا را در

شود صم کرد سیود نشان داد تنها مدعی را کما فها "دنیال آن است سیاست به کنترل در آوردن هر چه بیشتر منطقه وسیع معوذ

آمریکا است. کرد هم آشی نامی رژیم های مدخلی منطقه است
 هر عنوانی که باشد ما صیت و نیا تان را عوض نمیکند و رژیم
 ایران با غرار گرفتن در کنار آنها علیه مردمی ادهای خود
 مجبور است ما صیت نامی خود را روی جریز عریان تر نشان دهد -

[1] روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱ اردیبهشت ۵۹

و مبارزه بگماله بعد از قیام آنان بهترین سن گواه این است که آنان مدیق ترین مبارزان

مدا امپریالیست بوده اند و در حالیکه لحظه کمون نیز آنان رمانرا زنده فریاد "مرگ بر امیکا"

را سر میدهند نشدید حمله به کمونیستها و انقلابیون در جسی شرایطی نمیتواند بسیاری مردم ما سوال انگیز نباشد. اما س راستی چرا

رژیم جمهوری اسلامی اینگونه عمل میکند؟ با طرائیکه کمونیستها معتقدند مبارزه عد امپریالیستی توده ها باید تا نابودی تمام

مظاهر سلطه امپریالیسم ادامه باید و رژیم چنین نمیخواهد. با طر اینک کمونیستها میگویند گروگان های جاسوس با بدو چرود و تر

معا کمد شوند در حالیکه رژیم در مدد آراد کردن گروگانهاست. با این طر که کمونیستها میخواهند به ناعار نظامی و تحریک اقتصادی

آمریکا پاس داده شود و رژیم در مدد گزافه های معالجه با آمریکا و گسترش روابط اقتصادی با

اروپا و ژاپن امپریالیستی است. رژیم ارتشی را بازاری میکند که در اس آن ژنرال های دست پرورده آمریکا فرار در اروپا سیتم

آمریکائی اداره میشوند. کمونیستها میگویند این همان ارتشی است که اسادما سوسی آمریکا را از بین میبرد تا به دست مردم نفی شود

کردستان را سرکوب میکند. رژیم سکا ران را بگلوله می بندد و آنان را مد انقلابی میدانند و کمونیستها و انقلابیون میگویند بکاران

حق دارند که کار بخواهند و عد انقلاب کسی است که عدای حق طلبانه آنان را رفع نمیکند

کمونیستها میگویند که باید سرمایه های وابسته و امپریالیستی معادله شده و کنترل آسادر دست شورا های واقعی کارگران قرار

گیرد. رژیم در مقابل شوراها را سرکوب کرده و روابطش را با امپریالیسم گسترش میدهد رژیم

چون نمیخواهد این عقاب از اس کمونیستها و انقلابیون برای مردم روشن شود میگوید با انها مات و سرچشپهای گوناگون مردم را نسبت

به کمونیستها و انقلابیون بدبین کرده و مانع آگاه شدن توده ها شود. اما در مقابل توده ها خود می بینند که چه کسانی به حکم سلطه

امپریالیسم یاری میرسانند و چه کسانی میخواهند این سلطه نابود شود.

فعال تبلیغاتی زهر آگین رژیم جمهوری اسلامی علیه انقلابیون و کمونیستها هرگز نمی تواند این حقیقت بزرگ را بر توده ها پوشیده دارد که کمونیستها نه دشمن مذهب

که دشمن جان سخت سرمایه داری هستند. آنها نه متحد امپریالیسم که دشمن مستقیم، نا پذیر امپریالیسم و کلیه ابدی و همکاران آن هستند. آنها نه دشمن مردم که از وفادارترین مبارزان راه آرمان مردم هستند.

تفسیر سازمان فدایی از مبارزه ضد امپریالیستی و انترناسیونالیسم پرولتاری

● ما میگوئیم عامل تعیین کننده در پیشروی انقلاب جهانی را باید در روزگاری مبارزه انقلابی که با اعتراض خود رفقای فدائی در کشورهای آسیا - آفریقا و آمریکای لاتین شمرگرفته است جستجو کرد ، وقت کنید میگوئیم عامل تعیین کننده نه تنها عامل

● یکی از مشخصات سازمان فدائی در دوران گذشته این بوده است که هرگز به چیزی را نادرست میدانست ، بی آنکه نادرستی آنرا به هواداران خود توضیح بدهد ، بطوریکه چنان گار میگرداشتند و هرگاه کسی اعتراض این عمل میشد ، توضیح داده میشد که سازمان هنوز در قبال آن موضع رسمی نگرفته است

● رفقای فدائی گمانی توانید عنصر سوسیالیسم را در طبقه موارات رهائی بخش خلقهای زیرستم دریا بدهد یا پیش شما جنبش های رهائی بخش در یک سیر همین تاریخی به سوی سوسیالیسم حرکت نمی کنند یا بر این در جستجوی راهی هستند که این جنبش ها را به راه سوسیالیسم بماندند

● پا بوده سال تمام امپریالیسم جهانی در یک جنگ سرپوشت باز در آسیای جنوب شرقی درگیر شده است و سرانجام پوزدری خاک مالیده و آبرو باخته از بر سر خلقهای رزمنده این منطقه فرار کرده است و حاکمیت پرولتاریائی به رهبری احزاب کمونیست پراکنده در این کشورها مستقر شده است اما رفقای فدائی "نگاه اصلی" انقلاب را مطلقاً تا رگر انگلیس یا فرانسه میدانند ؟

رفقای فدائی با انتشار مقاله ای تحت عنوان " پیرو مونسار مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکای متحدنویم " شماره ۵۶ " کار " برداشت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " را از مبارزه ضد امپریالیستی و همچنین امریالیسم کارگری بنیان کرده اند . هر چند موضوع کمربهای این مقاله تا حد زیادی کلی است (با لافل برای سازمان وسیعی مانند سازمان فدائی کلی کوشی است) لیکن خطوط اصلی نفسیر این سازمان را از مسائل فوق بدست میدهد . از نظر ما موضع گیری رفقای فدائی در مورد دو مسئله بنیادی موق که (در واقع دو محور مسئله واحدی هستند) در مجموع نادرست و اسراف است . یکی از این دو محور (بمسئ مبارزه ضد امپریالیستی) در چند ماه گذشته کانون اصلی مناقشات ایدئولوژیک ما با رفقای سازمان فدائی بوده است ، و اکنون که سازمان فدائی مواضع خود را در این مورد بصورت مدون بیان کرده است ، شاید فرصت مناسبی باشد که ما بر مواضع خودمان را بصورت فشرده در این مورد تکرار کنیم .

سبب سازمان فدائی در بررسی این مسائل ، غیر علمی است

اسلوبی که رفقای فدائی در بررسی این دو مسئله بنیادی بکار گرفته اند ، اسلوبی غیر علمی و غیر دیالکتیکی است . منحصراً اسلوب دیالکتیکی حرکت از کلیات و مجردات نیست . در حالیکه رفقای فدائی در این نوشته مبنای حرکت و تحلیل خود را بر مجردات گذشته اند ، و چون در سطح مجردات سخن میگویند برای اذهان ساده روشن نیست چه میخواهند بگویند ، در صورتی که اگر اسلوب دیالکتیک تسعیت میگردند برای همه خوانندگان مقاله وحی برای خودشان روشن میشد که چه میگویند .

رفقای فدائی یک بار در شماره ۵۰ " کار " درباره مواضع " راه کارگر " چنین نوشتند : " ما هر چه در که از مسائل مشخص نسوی مسائل کلی " از مسائل محدود عام به سوی ماسی ایدئولوژیک سیر میکنیم به راه کارگر نزدیک می شویم . در مفولات عام مارکسیستی و سوبزه درگوش سمت به حسن جهای کارگری و کمونیستی دیدگاه های ما نزدیک است . اما وقتی همان دیدگاه ها ، در ارساط معین و مشخص با مسائل محمر جنبش کمونیستی و کارگری ایران مطرح میشود ، ما وحط ۲ موضع گیری متعاد خواهیم داشت . " وظا هرا " رفقای فدائی در آحا علت این معما را بیان نکرده اند ، اما در واقع لحی کعبه شان چنان بود که خواننده ساده ادبیت را و ا میدانست که علت معمار در تفکرو موشی " گنگ و مبهم " راه کارگر " مستجو کند . در حالیکه به اعتقاد ما این معما (براساتی هم یک معمای واقعی بود : چگونه ممکن است دو نفر در کلیات بهم نزدیک سیر شوند و در مسائل مشخص " متعاد " همدیگر بمانند ؟) در اسلوب غیر دیالکتیکی حاکم بر تحلیل های سازمان فدائی ریشه دارد . اسلوب های آنها در تحلیل مسائل گاه به تجربه گراشی (آمپریسم) می غلند و گاه به تحرید گراشی (استرکسوسیم) و بنا بر این غالباً " پیوند عام و خاص و مجردات و مشخصات را - کم میکنند و نادیده میگیرند . نگرش غیر دیالکتیکی رفقای فدائی نسبت به ارتباط مجردات و مشخصات است که برای ایشان این معمار نادرست میکنند که بهنگام " سیر " در مجردات با " راه کارگر " نزدیک شوند ولی وقت " طرح " مسائل مشخص ، موضع گیری " متعاد " با " راه کارگر " داشته باشند . ریشه این معما را بشکل عربیان نری میتوان در همین مقاله مورد بحث درباره مبارزه ضد امپریالیستی مشاهده کرد . اسلوب رفقای فدائی (که متعاداً " اگر قرار باشد در مسائل مجرد " سیر " کنیم

چندان هم نادرست نیست) در این مقاله چنین است: اول در سطح جهانی "کانونهای شوریک" نظریات مختلف را مشخص میکنند و سپس در رابطه با این "کانونهای شوریک" جهانی در سطح مجزوات و کلیات (و نه در رابطه با مشخصات مبارزه طبقاتی در این با آن جا معنی) درباره این نظریات داوری میکنند و فضای فدائی در مورد از چنین کانونهای شوریک جهانی مریخا "اسم میبرد" (در مورد چین و آلبانی) و در مورد کانونهای شوریک "دیگر صورت پوشیده سخن میگویند و بنا بر این بطور آشکار معلوم نیست (حتی در سطح "سید در مجزوات") که تک تک این چنین "کانونهای شوریک جهانی" کدامند و موضع گیری سازمان فدائی در مورد هر کدام از آنها چگونه است. مثلا "معلوم نمیشود" کانون شوریک "جهانی کس" حزب بوده از آن تبعیت میکنند کدام است: حزب کمونیست اتحاد شوروی یا اولیانسکی (یکی از شورویستین های تزویر و بیوفیتی درباره "راه ریشه غیر سرما به داری")؟ و معلوم نمیشود که آیا سازمان فدائی خود را یکدکامیک از این "کانونهای شوریک" جهانی مشعل میداند. با اعتقاد ما این اسلوب سازمان فدائی نادرست و گمراه کننده است: نه باین دلیل که چنین کانون های شوریک "جهانی وجود خارجی ندارند، بلکه بدلیل اینکه از طریق موضع گیری در قبال هر یک از این "کانون های شوریک" جهانی دقیقا نمیتوان درباره هواداران هر کدام از آنها در اینجا و آنجا موضع گیری کرد. به عبارت دیگر آنچه در مورد هر یک از این "کانونهای شوریک" مادی است ضرورتا در همه جا و در هر شرایطی دقیقا در مورد هواداران آن نظریه مادی نیست. زیرا اصل تمییز کننده در موضع گیری های سیاسی کمونیست ها ضرورتا این مشخصات مبارزه طبقاتی است نه الزامات و مجزوات شوریک و آتش های جزمی شبه مذهبی. من بحث در مورد مشخص هر یک از جریانهای فکری می نویسم عواطف این اسلوب گمراه کننده رفقای فدائی را به اختصار توضیح بدهیم.

مواردی که با سازمان فدائی وحدت داریم

برای اینکه مضمون مشخص خط فکری ما معلوم بشود و موارد اختلاف با سازمان فدائی در این زمینه روشن گردد و نیز برای دوری از سوء تفاهات احتمالی بهتر است اول موارد وحدت مواضع را با سازمان فدائی بیان میکنیم. برای اینکه در مجزوات "سیر" نکنیم، بهتر است هر کدام از موارد را - بر شماریم و با فشرده ترین توضیح ممکن، مواضع مان را در هر مورد بگوئیم.

مانیزمانند سازمان فدائی به عقانیت شمار "مرگ بر امپریالیسم جهانی" سرکردگی امپریالیسم آمریکا "اعتقاد

داریم بنا بر این بهتر است در رابطه با همین شعار و نظریات کوناگون را بررسی کنیم. بگذارید اول به نظریاتی بپردازیم که این شعار را قبول ندارند:

مانیزمانند رفقای فدائی اعتقاد داریم که نشوری "سه جهان" مشخصا "یک نشوری بیپروائی است. ما با رفقای فدائی هم عقیده ایم که "بینش سه جهان در نشوری اتحاد با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از طریق کانونهای امپریالیستی با زار مشترک و زاین میسرود و ظاهرا اتحاد مستقیم با امپریالیست های آمریکا را سعی میکنند. اما در عمل نزدیک ترین رابطه با ایالات متحده آمریکا برقرار میکنند" مانیزمانند تفهیم که رهبران کنونی دولت چین (که میلان اصلی این نظریه در سطح جهانی است) به همکاری گسترده ای با امپریالیسم آمریکا پرداخته اند و عملا برای سرکوب جنبش های انقلابی و فدا امپریالیستی در مناطق مختلف جهان به امپریالیسم آمریکا با میسراند.

مانیزمان اعتقاد داریم که تز "سوسال امپریالیسم" نوعی شرمگینانه نشوری "سه جهان" است. طرفداران این تز در مورد باره ای از جنبش های انقلابی و فدا امپریالیستی جهان همان موضعی را میگیرند که طرفداران تز "سه جهان" مثلا بسیاری از طرفداران این تز در مورد آنکولا، کامبوج و کوسا همان مواضعی را دارند که طرفداران نشوری "سه جهان" تبلیغ میکنند. تز "سوسال امپریالیسم" با تز "سه جهان" حویله وندی ناگسستی دارد.

بنا بر این ما و رفقای فدائی در مورد انحرافی بودن جریانها نشانی که شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی" به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" را نمی پذیرند بطور کلی وحدت داریم. اما در مورد جریانهایی که شعار فوق را می پذیرند مواضع ما و سازمان فدائی چیست؟ در ارزیابی این جریانها میان ما اختلافات مهمی وجود دارد و حتی میتوان گفت که اختلافات ما در تفسیر این شعار به نحوی در ارزیابی ما از جریانهایی که این شعار را می پذیرند انعکاس مییابد.

چرا تفسیر سازمان فدائی را از مبارزه فدا امپریالیستی نادرست میدانیم؟

رفقای فدائی درباره صف بندی نیروهای انقلاب و فدا انقلاب در جهان چنین مینویسند:

"نبرد جهانی انقلاب و فدا انقلاب، نبرد جهانی نیروهای نرمی خواه و نیروهای ارتجاعی در عمومی ترین چشم اندازها عبارت است از مبارزه اردوگاه سوسالیستی با اردوگاه امپریالیستی

مسار رده پروتکلاری کشورهای سرمایه‌داری با امپریالیسم جهانی و دولتهای امپریالیستی در راه سوسیالیسم، مبارزهٔ خلقهای کشورهای تحت سلطهٔ امپریالیسم در راه استقلال، ناسمجری سوسیالیستی، این سه پروتکلوما در اتحاد ناسمجری عمل میکنند و ما باید عمل کند. محدود کردن این نیرو در عرصهٔ ملی و محتوی محدودی است. انقلاب در آن عرصه یعنی فراموش کردن این حقیقت بسیار آنگاه و گنگ است. اولاً، عدم طیفانی پروتکلاریا یعنی است با حقیقت جهانی. ثانیاً، متحدین پروتکلاریای کشورهای تحت سلطه تنها خرد سوزواری انقلابی همان کشور نیست. نیروی سی گوان و لایبال انقلابی ناسمجری پروتکلاریای جهان است. اتحاد آنها امپریالیستی سروزها در عرصهٔ ملی می‌کمان. حاشا اهمیت بسیاری است... (کاشمارهٔ ۵۶، ص ۱۰)

نازدهمان جادریارهٔ نیروهای انقلاب جهانی چنین می‌بوسند: «جههٔ انقلاب مشکل است از سیستم جهانی سوسیالیستی». حشش جهانی طیفهٔ کارگر و حشش رهائی بخش خلقهای کشورهای تحت سلطه و نیروی عمدهٔ اردوی انقلاب، رخصا امپریالیسم سی گمان نیروی سوسیالیسم است (پروتکلاریای جهانی و کشورهای سوسیالیستی) و رسالت تاریخی و انقلابی آن نیز همانا - ساختن سوسیالیسم است. با زدهمان جادریاره با گرایش خرد سوزواری که - بحای وحدت استریا سوسیالیستی پروتکلاریای جهانی و سه حای مقدم شمرن آن، وحدت حششهای رهائی بخش خلقی را مقدم می‌شمارد. چنین می‌بوسند: «... و در عمل نمی پذیرد که حشش ملی جههٔ وسیع علیه امپریالیسم جهانی و سرنحش کشورهای مختلف را پروتکلاریای جهانی و اردوی سوسیالیستی تشکیل میدهد».

گمان می‌کنیم نظریه‌های مداخلی در جملاتی که از آنها نقل کردیم برای خواننده روشن است. این رهنا می‌کوبینند سیروی عمدهٔ انقلاب جهانی و کشورهای سوسیالیستی و طبقهٔ کارگر جهانی (و عمدتاً طبقهٔ کارگر کشورهای امپریالیستی است). البته بعداً "افافه کرده اند که: "... تکی نیست که تحولات سالهای بعد از جنگ جهانی دوم حاکی از آن است که مرکز ثقل انقلاب عمدتاً در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین قرار داشته است. فعالیت انقلابی در سالهای یاد شده در این کشورهای از تکوفش خاصی برخوردار بوده است. بحث بر سر این نیست. و اقمیت این است که نقطهٔ ثقل انقلاب در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین متمرکز بوده است و تازه ترین دستاوردها در زمینهٔ استراتژی و تاکتیک انقلاب محصول همین کشورهاست. لذا این جنبتها باید قبل از همه مورد توجه قرار گیرند. چرا که این حرف اصولی و منطقی است که خلقهایی که درگیر مسار رده رهائی بخش هستند تاکنون بر بارترین تجربیات

را از پروتکلاریای انقلاب کوبا، نکست انقلاب چینی و پروتکلاریای انقلاب ویتنام و کما مینوچ و لاکون بدست آورده اند. بحسب سیر سیروی عمدهٔ انقلاب و تکلیفهای اصلی آن در جهان معاصر است، جریانی که نسیبیزد که حشش جهانی را گری و کمونیستی سیروی عمده و تکلیفهای اصلی انقلاب است و با این بین امر کسبها به عنوان رهنا چیزتها در واقع هنوز در آن حدتها نیستند که سولنه یک جمع بندی واقع بینانه و انقلاب و معاصر انقلاب در عرصهٔ جهانی و دست گیری تاریخی دنیا معاصر معاصر آورد... (نا کیهه همه ما از ما است).

لزیم در صند انحلال شورای

کارخانه هاشین سازی تبریز روز چهارشنبه ۵۹/۲/۱۰ در کارخانهٔ هاشین سازی تبریز ۲۲ نفر از کارگران که خود را پیرو خط امام می‌نامند یکی از بلندگوهای کارخانه را خطاب قرار داده و اعلام میدارند که شورای کارخانه را قبول ندارند. مهرانفر کارگر مسلمانین سازی برای روشن شدن موضوع در هر جمع می‌شوند و در مورد شورای تبریز می‌کنند نتیجهٔ رای گیری نشان می‌دهد که هفت ۲۲ نفر پیرو خط امام در واقع نه فقط شورای کارخانه بلکه وادی و نظرسه هزار نفر کارگران هاشین سازی را قبول ندارند. تعداد مخالفین شورا براساسی فقط ۲۳ نفر بود. حادثهٔ کارخانهٔ هاشین سازی تبریز و قرار گرفتن اقلیت کوچکی در برابر ارادهٔ اکثریت، تکرار همان حوادثی است که به نام انقلاب فرهنگی در دانشگاهها اتفاق افتاد. مثلاً در دانشگاه تبریز تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه را با شغال خود در آوردند و در برابر ارادهٔ هزاران نفر از دانشجویان قرار گرفتند. حوادثی از همین قیبل در دانشگاههای تهران، اهواز، گیلان و مشهد و غیره منجر به خونین‌ترین حوادث و کشتار و حششها ندادن دانشجویان تحت پوشش انقلاب فرهنگی شد.

بهر حال در این ماجرای ۲۳ نفر در هاشین سازی تبریز، سه نرسه ناپندگی از جانب دولت بکارخانه می‌کنند و از طرف خودشان قلعنه خوانده و اعلام میدارند که شورا را اکثریت قبول ندارند. و باید منحل گردد! کارگران هاشین سازی معتقدند که تا دیروز برای سود و بهره قبل از عید در کارخانه ماندیم و لسی حتی یک ناپنده هم بکارخانه نپاند ولی حالا در عرض یک ساعت

سخنرانی «مکتبی»!

نام شهر - دیروز جایی کارگر نهرالدین حجازی ضمن سخنرانی این مردم شهر آنگام تیرت و ترسو میخوانند میگوید که چرا در شهر ما باید عداوت دارد و چکن است و اینکه بهتر است نام شهر خودتان را به انگلیسی یا انگلیسی‌ها تبدیل کنید و... بعد از تحریک تا مرحلوم الحال و دستجات حمله و سر می‌دهد که حای روزنامه فرشی و نشریهٔ گروههای مختلف حمله می‌کنند و آنگاه که حایستها و حاششهای سرما به دارن در آن نوشته میشود. آنگاه که سه جمع طبقات رحمت کش و کارگر حاشه است پاره می‌کند. این کودلان سی دانند که حاشش است ارسامع رحمتکش و طرف ارسما به دارن نه در گشها بلکه در قلب کوبینها حشک شده است.

گندستان...
حداکمند ولی شش کرد در طول اس حشها هر سه سیر دریا معاص که آنگاه انقلابی و ککل قاطم ترین سلاح و سیرای دست ما بی سه خوا سبای سرحی است.

۵۹/۲/۲۱
ربر سوس (۲۰۱) نا انقلاب اسلامی، ۵۹/۲/۲۱.

برای منحل کردن شورای منتخب کارگران سه ناپنده اعلام میدارند این دیسه دولت است که می‌خواهد شورای کارگری را که اکثریت قبول دارند منحل نماید. □

دانشیم پایه استدلال رفقای رزمندگان جهت پایگاه امپریالیسم در ایران، پس اینس از رابطه عناصر و عوامل شکل دهنده آن است. علامه‌ای از حرفه‌ها و دلائل آن را نقل جهت آفتی ماچین حرفی میزنیم باینکه گاه، موجب میشود ماچین را با کله نامر می کنیم تا خوانندگان راه کارگر با مواعص فیه بگذرگانی روشن باشد. "دور دیالسه" مشکله آن همان دانسه و سرائی است که

آیا نابودی سرمایه داری وابسته در گرو نابودی سرمایه متوسط است؟!

خواهیم سیم را با بود کنیم در مردم در آیم. شمار عناصر مشکله از آن بودیم. سرفکن با فیماندن پاره‌ای از عناصر سرفکن. دهنده جهت رایه معای به معاد سیم لطقی کنیم، با اینکه مکن است تصور کنیم سیم را باید طوری نابود کرد که هر چیزی از آن بلکه چیز بیشتر نابود شود. در حالیکه مسئله اساساً نسبتاً نابودی چیز با هر سیم آن نیست. مادر توصیفات خود روش خواهیم کرد مطالسی که رفقای رزمندگان تصور مکند برایشان "کاملاً" روشن و اتفاماً رسانده از حد هم روش هستند. درسه دلیل عدم درکشان از این رابطه هنوز روش نیست نمونه آثار این موضوع در سراسر افغانی خود را بصورت درک گنگ و مبهم، درک آکوسی با آثار نسبتی رابطه، سیاست و اقتصادان میدهد.

بگذرید ابتدا مواع راه کارگر و درک خودمان را از رابطه سیم سرمایه داری و امپریالیسم بدان کنیم. بابا راه‌ها در نوشته‌های خود توضیح داده‌ایم باز سالی که سرمایه داری بصورت شیوه، مطلوب تولید در سیمان نامی باشد وابسته‌گی اقتصادی و سیاسی مانسه امپریالیسم امری اجتناب ناپذیر و حتمی خواهد بود. حتمی سرمایه داری را در ایران

تا زمانی که سرمایه داری بصورت شیوه تولید در میهمان باقی ماند و استیسی اقتصادی و سیاسی مانسه امپریالیسم امری اجتناب ناپذیر است و حتمی خواهد بود.

بصورت شیوه، مطلوب تولید همچنان حفظ کرد و امید و انتظار آزاداش که و استیسی به

امپریالیسم نابود شود. راه کارگر بورژوازی ملی را مغولهای متعلق به گذشته مدهاند. ما معتقدیم برای اینکه میهمان ما و آنست که نماید با بد روابط تولید مطلوب در آن سرمایه داری تواند. تا معتقدیم امپریالیسم در ایران صرفاً "از طریق سرمایه‌های مستقیم خود نیست که به غارت و جیباول ارزش اضافی خلق ما میبرد از ارقام و آثار اقتصادی نشان میدهد که عیار سرمایه‌های امپریالیسی در ایران چندان بالانیت. غارت و جیباول ارزش اضافی و ثروت‌های سگران خلق ما ندارند، مشکلات و تناقضاتی را ایجاد کرده است. تاکید زیاد بر سیم بدون درک واقعی

استدلال آنرا به شعار دوم اعاز می کنند. رفقای رزمندگان میگویند: "نابود سرمایه انحصاری وابسته، پایگاه امپریالیسم در ایران یعنی نابود سرمایه از سیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ورنده سرمایه پای یعنی نابود سرمایه انحصاری وابسته و سرمایه پای یعنی سرمایه انحصاری وابسته ایمانه بر سرمایه داری وابسته به امپریالیسم این نکات کاملاً روشن و اتفاماً رسانده از مقدم روشن هستند. (با تاکید های آفتی داری رزمندگان) در ادامه این استدلال رزمندگان نه نتیجه گیری اطمی خود و به انتقاد اطمی خود از راه کارگر می رسد و می گوید: راه کارگر نمی خواهد " طبقه بورژوازی از بین برود چرا که راه کارگر نمی خواهد سیم از بین برود و راه کارگر بیتاریزه علمیه امپریالیسم را انسان از علمیه سیم موجود و طبقه سرمایه دار جدا میکند. راه کارگر " ذرائع انقلاب دموکراتیک پیرور مندی را در نظر دارد که در آن من آنکه سیم موجود از بین نمی برود و انقلاب بسیز پیرور می شود سرمایه انحصاری بزرگ تیز از بین می بماند و طبقه بورژوازی از بین می رود و رفقای رزمندگان بخت خود را با اشاره به سومین نقطه شعار خاتمه می دهند. البته تکرار این نقطه تایید نی میسایت نماید که سومین شعار راه کارگر در شماره اول رزمندگان منتها موجود است. رزمندگان در آنجا این شعار را داده است: " مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اطمی خلقهای ما !" به هر حال مفکر می کنیم تا مردی جوهر

استدلال رزمندگان روشن شده باشد. زیر که ان و اسولاً غالب گروهها و ایزبان های طبقه ۳ فراوان به سیمت اشاره میکند در اینجا هم رزمندگان می گویند باید سیمت از بین برود و راه کارگر را مقصود میداند که نمی خواهد سیمت از بین برود تاکید بر سیمت ناید بتواند برای آنهایی که علاوه بر سرخ گفتن از سیمت درک درستی نیست چون کی رابطه سیمت با عناصر مشکله آن و بطور کللی چگونگی بر خورد باید سیمت را داشته باشند مفید واقع شود و حتماً هم چنین می شود چرا که برای علمی در اختیار آن قرار میدهد اما برای رفقای رزمندگان که مخالفانه درک درستی از رابطه سیمت و عناصر مشکله آن ندارند و مشکلات و تناقضاتی را ایجاد کرده است تاکید زیاد بر سیمت بدون درک واقعی

این رفقا آشنا شوند. آنکه روشن خواهد شد که رفقای رزمندگان تا چه حد توانسته اند شعارهای فوق رادیکر نمایند و با این شعارهای راه کارگر است که " گذافتی ان باید درک این رفقای سطحی و استدلالشان مناقشه است به شعار مورد نظر رزمندگان بترین مبارزه از بورژوازی امپریالیسم دلالان امپریالیسم راهی گیرانه افشا کنیم چرا باید با سرمایه انحصاری وابسته پایگاه امپریالیسم در ایران چرا مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلفهای ایران رزمندگان چنین است لال می کند که این شعار بهم مربوط بوده و یک کل ارگانیسم را تشکیل می دهد. رزمندگان می گویند تا خوچه به اینگه " بورژوازی در ایران اکنون نمانده سیاسی دارد که بورژوازی لیبرال حفاظ می شود و اینکه " بورژوازی لیبرال نمانده کل بورژوازی در ایران است تسلیم این سیاستی شعار نابودی بورژوازی لیبرال و نابودی کل طبقه بورژوازی داده شود اینگه راه کارگر چنین می کند " امپریالیسم سیاسی راست خود را نشان می دهد آنکه به سرمایه رسمی رابطه بورژوازی لیبرال - سرمایه وابسته و امپریالیسم پروداخته ومی گویند علمی رسم اینگه " سرمایه وابسته به دو بخش سرمایه انحصاری وابسته و سرمایه غیر انحصاری وابسته سرمایه بزرگ وابسته و سرمایه متوسط و کوچک وابسته تقسیم می شود باید در یافت که " صحت نه از سرمایه‌های جدا گانه که از حریان سرمایه در ایران است رزمندگان می نویسند " سرمایه انحصاری وابسته سرمایه بزرگ در یک سیمت معین منسل میکند یعنی در سیمت سرمایه داری وابسته

به امپریالیسم نازمانیم که این سیمت وجود دارد مناقص سرمایه مالی بسیز کم و بیش نامین می گردد و بسی اضافه می کند " بدون نابودی طبقه سرمایه دار و طبقه‌ای که اساساً در پیوند با سرمایه امپریالیستی وجود خود ادامه میدهد امکان اینکه جامعه از سرمایه داری وابسته نجات یابد نیست و در جای دیگر اشاره می کنند " دورها انقلاب یک طبقه معین اجتماعی باید نابود شود " با چنین مقدماتی رفقای رزمندگان از اینکه راه کارگر شعار " بورژوا لیبرالها دلالان امپریالیسم را بگیرانه افتا کنیم را می دهد انتقادی کنند و بسی خود به دلائل ممكن راه کارگر اشاره کرده ومی گویند " حقیقت آنست که " راه کارگر سیاسی برای این حرف ما دارد و آن اینست مگر ما تکسیم نابود با سرمایه انحصاری وابسته

میگیرد. امریالیزم مدتهاً از طریق این رابطه، تولیدی مادر است و روشهای ما را تقویت کرد. برای قطع دست امریالیزم باید این رابطه قطع گردد. باید این سیستم نابود شود. اما در ضمن معتقدیم سرمایه داری به صورت تقابلی شیوه، سولسایق و در شرایطی

میگردد و آن می تواند شمار زیادی سرمایه متوسط (لیبرال) را بدهد. استدلال می کشد که در این جامعه به سرمایه های جداگانه، که از جریان سرمایه در ایران است اما جریان سرمایه را چگونه می بیند؟ رزمندگان «جریان

و بدون همکاری و شش دادن به تسلط سرمایه بزرگ به بازسازی اقتصاد سردار زد. و این بازسازی اقتصاد بازسازی کارگر سرمایه بزرگ نیست؟ رزمندگان آنجا که ناپستی سیستم را با نابودی سرمایه متوسط همان

که مکتوبی بوده ای با رهبری طیفه، کارگر امر می های سیاسی قدرت را در دست داشته باشد محتوا و محتوا، حیات داشته باشد و سه برهه پیشین عیاشی و بیهوشی خواهد داشت. چنین زندگی مرگ را به دنبال خواهد داشت. مسئله بر سر وجود سرمایه های خارجی، وابستگی می و تکنیکی و میر آن نیست. مسئله بر سر وابستگی تاریخی - تولیدی است. مسئله بر

سرمایه - راه با شیوه، تسلط تولید نه بنا سیستم سرمایه داری به صورت شیوه تسلط تولید، بلکه در رابطه با وابستگی مستقیم سرمایه به متوسط توضیح می دهد. باید از رفقای رزمندگان پرسید آیا نابودی سرمایه انحصاری وابسته، پایگاه اصلی امریالیسم در ایران بمعنی نابودی چیزی از سیستم سرمایه داری وابسته به امریالیسم است؟ آیا سرمایه انحصاری وابسته اهرمهای اساسی و کلیدی اقتصاد

می بیند اگر چسب منطقی سرری می کند معنی دیگر ایجاد می شود بین سرمایه متوسط و نابودی سیستم از نظر رزمندگان به این صورت است که تمام سرمایه های کوچک و متوسط و بزرگ که امریالیسم و سرمایه عالی در اوضاع با آنها قادر است به قارت متتابع ارزش اضافی خلق می شود را با حذف کرده و طیفه، بورژوازی را نابود کرده. منظور رزمندگان از ضرورت نابودی سرمایه متوسط این

سازگاری است که الراما و در سطحی سیستم سرمایه داری در کشور ما وجود دارد. ما

می بیند ما را در دست داشته و دارد؟ پانه رفقا معتقدند سرمایه متوسط و کوچک بخش غالب و

نیست که نابودی آن، بخش تسلط و اهرم های اساسی اقتصاد جامعه سرمایه داری وابسته

میگویی زمانی می بیند ما وابسته است که سرمایه داری به صورت شیوه، تسلط تولید در آن زمان داشته باشد. سایر این وقتی راه کارگر میگوید باید دست از امریالیسم از میپیمان قطع کرده، اما ما به این رابطه، تولیدی تسلط نظر دارد، سیستمی که ما از آن سخن میگویم این است. و طبیعی است راه کارگر معتقد است این سیستم باید نابود شود. در هیچک از آثار و نوشته های راه کارگر نطلبی، دال بر سرمای سرمایه داری به صورت شیوه تسلط تولید و انبساطی است. این سیستم نمی بیند. اما باید دید درک های رزمندگان از «سیستم» چگونه است؟ رزمندگان از یک طرف میگویند: «اما در ایران سرمایه» مالی امریالیستی است که در ترکیب با انواع سرمایه های کوچک، متوسط و بزرگ داخلی و به اشکال مختلف، بخش عظیمی از ارزش اضافی را از برهه، تولید جامعه ما خارج میکنند. در اینجا صحبت نه از سرمایه های جداگانه، که از جریان سرمایه در ایران

رزمندگان «جریان سرمایه» راه با شیوه، تسلط تولید نه با سیستم سرمایه داری به صورت شیوه، تسلط تولید، بلکه در رابطه با وابستگی مستقیم سرمایه توضیح می دهد.

سایه گشته و سرمایه داری به صورت شیوه، تسلط تولید از بین برود؛ بلکه معتقد است هر سرمایه ای (بزرگ، متوسط، کوچک) چنین نیست است بنابراین باید نابود گردد. نامی ماندن سرمایه متوسط با کوچک بمعنی با معاشدن

است اما طرف دیگر وقتی می خواهد سیستم را نابود کند در صد نابودی سرمایه، متوسط و سرمایه، بزرگ است و از نابودی «سرمایه» کوچک - حرفی تمیزند. خایه رزمندگان می اندیند که «سرمایه کوچک» وابسته نیست! و شاید تصور میکند باقی ماندن وابستگی اگر «کوچک» باشد انکالم، ندارد! میگوید انقلاب کرد و وابستگی های بزرگ را از بین برد اما وابستگی های کوچک را حفظ کرد!

و در تسلط اهرمهای کلیدی و اساسی اقتصاد را در دست داشته و دارند؟ منظور رزمندگان از مربوط کردن نابودی سرمایه متوسط با نابودی سیستم چیست؟ می پرسید این برقراری رابطه بدو معنی می تواند باشد. با رفقای رزمندگان انتقاد دارند منظور از نابودی سرمایه متوسط بمعنی نابودی میان اقتصادی نظام، و بمعنی از بین بردن اهرمهای کلیدی و عناصر اصلی سیستم مودرن است. در

این صورت باید توضیح دهند آیا سرمایه متوسط در می بیند ما چه در گذشته و چه در شرایط فعلی اهرمهای اساسی و کلیدی اقتصاد را در دست داشته و دارد؟ اگر جوابتان مثبت باشد در این صورت باید براضی چشم بروا قعیات

آشکار میکنند. در این صورت آنها می توانند بگویند سرمایه متوسط قبل از قیام اگر اهرمهای کلیدی اقتصاد را میگردانید چرا به تا سازگاری و مخالفت با سرمایه انحصاری وابسته بر خاسته بود و اکنون آنها بورژوازی لیبرال می تواند خود را اقتصاد تسلط شده

آشکار میکنند. در این صورت آنها می توانند بگویند سرمایه متوسط قبل از قیام اگر اهرمهای کلیدی اقتصاد را میگردانید چرا به تا سازگاری و مخالفت با سرمایه انحصاری وابسته بر خاسته بود و اکنون آنها بورژوازی لیبرال می تواند خود را اقتصاد تسلط شده

هستند که از آن سخن می گویند. این راه کارگر نیست که از مرز بندی نسبت به انقلاب سوسیالیستی به وجود برهه دموکراسی انقلاب ایران می رسد. بلکه رفقای رزمندگان یا مرز بندی نسبت به انقلاب سوسیالیستی. شعار نابودی «سرمایه کوچک» را نمی دهند و گرنه از نقطه گام نابودی سیستم مورد نظر رفقا، نابودی «سرمایه کوچک» نیز الرامی است. «آختامان اقتصادی سرمایه داری جامعه» ما وجود بورژوازی را، نابود سرمایه داری



سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

این سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

زیر نویس ها:

(۱) مادرین خود روشن... (۲) البته، رفقای... (۳) در این مورد بحروا...

در تکمیل سرمایه‌داری... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

(۴) در این مورد بحروا... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

آنها برای در دست گرفتن... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

سینه پرسنل انقلابی ارتش...

هلیکوپتر هفتاد... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

پایان نامه، سرمایه متوسط... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

زیر نویس ها: ۱- معاهده اقتصادی... ۲- اعلان اسلامی... ۳- اطلاعات...

سود سیمین... سرمایه‌های برای اوستی... سرمایه‌های برای اوستی...

هوشی مین...

کوه هايمان همیشه برپا خواهد بود .
رود های مان همیشه جاری خواهد بود .
خلق مان همیشه باقی خواهد ماند .
شکست از آن مهاجمان امریکائی است .
ما سرزمین مان را از نو ،

ده ها با رزمی تر خواهیم کرد .
بی تک کمتر رهبری در تاریخ جنبش کمونیستی
این چنین طولانی و در لحظات بیشمار رتار پیچ
ما را با خلق خویش زندگی نموده و در تاریخ
آن جاری گشته است . بیش از ده سال هم
در مزارع میچر خود با لیکنند مطمئن خود رچهره
دهقانان و ریشتمانی که تفنگ بردوش برای پیروز
جنگ مفاومت خدا مهربالستی گندم میکارند
دقیق میشود و لیکنند ظاهرتنه بر صورت های عرق
کرده آنان را مینوشد و مغلظت و مت و بیگانگی
را میپراکند . بیشتر از نیم قرن عموشا عبر
حلق در سنگرها ظاهر میشود و همراه مردم و پر
طنین شرازانان فریاد بر میآورد " هراسنا
مشکلات و مناقات در پیش روی باشد ، اهمیت
سدار خلق ما از پیروزی کامل مطمئن است ،"
عموهورت نفس های بیگمراه رزمندگان حزب
کمونیست پای در زنجیر ، تن در فولاد میسراپند
که هیچ نیروئی نمیتواند اراده پولادین خلق
را در دفاع از حقوقش درهم شکند .

او هم زمانیکه دین بین فوراتارک میدید ،
هم در هنگامیکه قهپ های متعدد مسلحانه خلق
را سازمان میداد ، هم زمانی که در کنفرانس
ژنو و کنفرانس صلح پاریس شرکت مینمود ، سرود
بلند و مفاومت خلق را میسرود .
سی تک نمیتوان عظمت و بزرگی و شکوه تاریخی
عموهورا جز در رابطه با عظمت تابناک خلق
و یستنام درک کرد .

عموهور مظهری از وجدان بزرگ عمر سوبالیسم و
نشانه وجدان پرولتاریای جهان است . او
مظهر هوشیاری و ایستکار ، چالاک و صبر و استقامت
تاریخی زحمتکشان و نشانه برجسته ای از اخلاق
و فعاثل انقلابی است که تنها با پیش از نیم
قرن مبارزه همگین توده های مملوئی با پرچم
م - ل میتواند دیدار گردد .
عموهور در ۱۹۵۸ نوشت " انقلاب کردن و دیگرگون
قابل درک است .

کارگران دیسمان:

همزمان با مبارزه با امپریالیسم باید علیه سرمایه ناری و پسته مبارزه کرد

در تاریخ ۲۳/۱/۵۹ کارگران کارخانه دیسمان به
دعوت شورای خود ، قطع روابط سیاسی
ایران و آمریکا را جشن میگیرند . کارگران مبارز دیسمان
میخواهند این حادثه سیاسی را در خدمت تحکیم
اتحاد و همبستگی خود قرار دهند و از این طریق گام
دیگری در مبارزات خود بردارند .
اما کسیکه همیشه از آگاهی کارگران میپراسد
و ماضیان حکم میکند تا کارگران را فریب دهند و
از رشد آگاهی سیاسی آنها جلوگیری کنند به نطفه
جنبی علیه کارگران انقلابی میپردازند . کارفرما و
آبادی اش سعی میکنند باحاشی به کمونیست ها و
کارگران آگاه ، محیط را منسج نموده و مانع برگزاری
مراسم کارگران گردند . بطوریکه در این میان ماور
حفاظت کارخانه که شحمی بنام محمود فریدی چتر با
بازنشسته ارتش و از سرکوبگران خلق فهیمان ظهار

ساختن جا معمه کهن به جا معمه نوین امری بس
افتخار آفرین ، لیکن همچین وظیفه بینهایت
سنگین و سباز زای بس پیچیده و مستعد و شوار
میباشد . تنها رهروئی توانا میتواند راحسی
در آزار با باری سنگین بردوشش در نوردد . یک
انقلابی باید اساس محکمی از اخلاق انقلابی داشته
باشد تا بتواند وظیفه افتخار آفرین انقلابیش
را به تمام انجام دهد .

و ما برای درک اساس این اخلاق انقلابی ، برای
درک راز فسادنا پذیرگموهو ، برای درک دلیل
خشکی ناپذیری انقلابیون بزرگ در خدمت
به آرمان زحمتکشان بهتر است که از خود عموهو
بشنویم . " اخلاق انقلابی بروحدت یافتن
با توده ها در یک پیگروا عصا دکوردن به انسان
و توجه نمودن به عقایدشان انکاء دارد ."

عظمت تاریخی شخصیت تاریخی عموهو تنها با درک
چگونگی وحدت یافتن او در پیگرو حزب کمونیست
هندوچین و خلق و یستنام و زحمتکشان سرا مرجهان
خود میگردند .

است نیروی و اشغال کرده و سعی میکند از یوست اشتف
ده نموده و کارگران آگاه و کموسب هارا مورد حمل
فرار دهد . او با یستری میگوید که " حس ناوقتی است
که بنوانیم کمونستها و افراد حرا بکار را در کارخانه
و سلکت نابود کنیم " بعد گفته بود که
پاسداران دروا هستند و نا رسیدن آنان به کارخانه
باید تمام کمونستها و کارگران " فد انقلابی " که
شناسایی شده اند ، مرمی و به سپاه پاسداران نچسپیل
داده شوند . کارگران که بارها نطفه های کارفرما و
عواطش را تجربه کرده بودند ، این بار نیز به نطفه
بسی برده در صد افسای دسه های کارفرما بر سآسد .
یکی از کارگران مبارز صورت مبارزه با امپریالیسم را
برای کارگران توضیح میدهد و خاطرنشان میکند که
کسانی مثل کارفرما و مامور حفاظت و جاسوسان و احبر
شدگان آنان میخواهند سمت این مبارزه را بطرف
کارگران آگاه منحرف کنند . یکی دیگر از کارگران مبارز
میگوید که مبارزه کارگران دیسمان با آمریکا ، سعی
اینکه با افرادی مثل مامور حفاظت معلوم الحال کارخانه
و کارفرما مبارزه کنیم با انگلیز آمریکا یعنی نفس برآوردن
نطفه کارفرما و میزوریان و پادشاه ... با ورود پاسداران
سلح سخنان کارگر مبارز قطع مسود یکی را یاد ارا ن
تربییون را اشغال میکند و سعی میکند کنار خلق کرد و
کنتر خلق ترکمن صحرا و هرمان آن راه کمونستها
نسبت دهد . پاسدار میگوید مبارزه با امپریالیسم سعی
اینکه با نقد حرف نان و سکن را نیز بد و به بولسد
بپردازید و کسانی که در میان نگاهند و نطفه
میکنند و شعار نان مسکن آزادی میدهند کموسبت و
صد انقلاب هند و ما آمدیم آنها را دستگیر کرده و ما
خود ببریم . یکی از کارگران آگاه سخنان پاسدار را قطع
میکند و خطاب به کارگران میگوید ما معدم کمه زمان
با امپریالیزم باید علیه سرمایه داری وابسه هم مبارزه
کرد . ما شعار نان ، مسکن ، آزادی میدهم و مستقیم
که تنها با آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است که
نان و سکن برای همه زحمتکشان فراهم مسود .

شورای مالز دل مبارزات متحد و یکپارچه همه
ما کارگران بیرون آمده و حفظ آن فقط با اتحاد
و یکپارچگی همه ما میسر است و یک حقوق مسلم ما
کارگران نیز از طریق تورا . بدین سوسب کارگران دیسمان
یکبار دیگر در راه یکپارچگی و وحدت ، نطفه
کارفرما و درهم میکنند و مانع دستگیری نارمان ساز
خود میگردند .

سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق را گرامی می‌داریم

در سمرقند چهارم خرداد ماه سال ۱۳۵۱
خلاهای ارس آمریکا شای ماه خلد بیکر مریر
مشیت شاه سپیدمسن بدخ زاده گان فمگرواده و
مکس تمام پشپان گزاران سازمان مجاهدین
خلق ایران را پخون نشاند. رزمندگان مجاهد
در پراهر چوله‌های آن‌دمن اسنادند
عون مدسها بود که اسدینه، خویش رارچک
رفرسمو ورکسگی سیاسی حاکم سرسپه
آزادی، رهاشیده بودند. آنها در پراهر سازشکاران
شادردادند که ششها پامیارزه‌ای فبرآمیز
واشتی ناپذیر نادیکشاور، شاه وامیرالیسم
پراشواراسکه مسواپ پوره، دشمن خلق
را پهاک مالید. آنها نه سپاهیا حربیات
سارنگاروتزلزل مرزپندی نمودند بلکه با
اشقاد موافقی رادیکال، شخان دادند که
پخویی درک کرده اندکه مبارزه با امیرالیسم
وپا پگاه داغلی اش جز از طریق درس کرمس
از حربیات سر حشپهای انقلابی و
کمونیستی معذور نیست. آنان ایمان دانند
که برای مباحسدن به مبارزه خلق برای
بمروزی نوده‌ها در انقلاب رهاشی بحث، باید
سوسی ناداس مبارزه عصر ما، نامارکسیسم،
لینینسم آساشی دانند و ازان بهره‌گرف.
سپاگداران سازمان مجاهدین نه اس
امر مو، من بودند که برای بستند مبارزه
مدامیرالیستی خلق ما، برای رهاشی مردم

هوشی مین، تجسم مبارزه و رهایی ویتنام

بمناسبت نوروز سالگرد تولد او



در خام زندگیم، با مصم قلب و نام خام سرورم
به سوزین بدی، به انقلاب و مردم خدمت کرده‌ام. هم -
اکنون اگر فرار است از این جهان رحلت کم هیچ چیز نیست
که از عدم انجام آن مناسبت نامم. نامفید قطار این است
که نمی توانم مدت طولانی تری خدمت کم.

دوستی، سوسی هوشی مین.

بسیستم و هم اردیبهشت برابر نوروز هم ماه هفدهم ۱۸۹۰
نودمین سالگرد تولد هوشی مین رهبر کمپرو حزب
کمونیست ویتنام و معلم و شاعر و سیاستمدان
خلق ویتنام و رحمتکشان سراسر دنیا است. هوشی
مینه دست در دست خلق ویتنام و پرولتاریای
جهان، فصل‌های فراخوش شدنی از ساریخ
جهان را نکاشت؟ که هر بگی از آن خودناهی
است از مقاومت و مبارزه جوشی خلقی که با الهام
از کمپرو نوشت خویش را رقم زد.

هوشی مینه در وصیت نامه اش در ۱۹۶۹ نوشت:
مخبر منعمه ۱۴

رحمتکس کورمان از زیربوع امیرالیستها،
سوک در یک جنبه: واحد مدامیرالیستی
سپهراء ساربرسپروهای انقلابی سوسوز
مارکسیستلینینسمیا اسری سوری و حلی است.
اسی درک انقلابی رهبران سازمان
مناهدن به شها در هکاسیکه نه از مندھی
محمی وندارک مبارزه و آماده نمودن سازمان
سرای سوری سپهراء سوزدر شرایط احسان و
دیکتاتوری حاکم تا مزاحم و روشنی خود را
ساز میداد؟ بلکه رمانیکه در میان ساواک
آسان را در ربر سخت‌نوس شکسته‌ها قرار
دادند. هنگامیکه با سخت‌نوس مذاط هاشی
داسند آنان رانه موضع گیری در مقابل سربهای
مارکسیست لینینست و دارند آنها هرگز
مواص انقلابی خود را ترک ننموده و همچنان
بفرورم حیاتی اتحاد عمل خود با سپروهای
مارکسیست-لینینست پای فشردند.
مرزبندی سپاگداران سازمان مجاهدین
خلق نه سپهادر رابطه سازمان سسپهادر
سازنگاران شفافیت آشکاری داشت، بلکه
آنها در اعماق دشان به اسلام انقلابی
و پاسداری از آن سراسواریه مقاومت
والاشی نشان دادند. آنها به هر آنچه که تقویت
وتداوم مبارزه در راه تحصیل منافع توده‌ها
کمک می نمود. عشق میورریدند و وسعت به آنچه
در مقابل آن فرار میگرفت نفرت بی‌پایایی
احساس میکردند.

سازمان مجاهدین خلق برای آنکه نتواند
هر چه بیشتر به منافع خلق ما خدمت نماید،
سرای بمروزی انقلاب و رهاشی رحمتکشان
سپهاس، باید نیش از پیش ترسند هاشی
انقلابی و میرات گرانقدر دنیا گزاران نشی
پای فسرده و آسارا ارج سید. یاد اسپس
خاودانگان تاریخ را گرامی دانند و جایگاه
بلند آنان را در مبارزه، رهاشی سخن طغمار
پاس میداریم.

دوستان و رفقا!

از هر طریق که می‌تواند کمکها
مالی خود را به ما برسانید.

"راه کارگر"

رفقا!

با تمام امکانات خود در
جهت تکثیر و پخش نشریه
راه کارگر بکنو شیبید

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر!